

Mohammad Mahdi kariminiya¹

Sudabeh Nemati²

Abstract

The variant readings of the Qur'an (qirā'āt) have long been among the fundamental subjects in Qur'anic studies, Islamic jurisprudence, and exegesis. In the modern period, they have become a major focus of Orientalist criticism, particularly regarding claims of "textual instability." This study provides a comparative analysis of Shi'i and Sunni perspectives on Qur'anic variant readings in light of exegetical traditions, with emphasis on revelation and transmission. The research adopts a descriptive-analytical method with a comparative approach.

The findings indicate that despite differences in explaining the origin and criteria of authority of readings, the majority of scholars from both traditions share two principles: the unity of the revealed text and its protection from textual alteration; and the transmission and authoritative status of established readings. Accordingly, variant readings should not be understood as multiple Qur'anic texts, but as variations in recitation modes and linguistic capacities. The Orientalist claim of "textual instability" thus lacks scholarly grounds.

Keywords: Qur'anic Variant Readings, Exegetical Traditions, Transmission of Readings, Authority of Readings, Textual Instability, Orientalism, Preservation of the Qur'an.

1 . Assistant Professor and Faculty Member at the University of Quranic Sciences and Teachings, Seminary (Hawza) Student and Researcher in Qom Seminary, Corresponding Author,

kariminiya2003@yahoo.com // kariminiya2003@yahoo.com

2 . Level Four (PhD) Seminary Student, Comparative Quranic Exegesis (Tafsir), Rayhaneh al-Nabi (SA) Specialized Higher Education Institute, Arak City, Markazi Province, Iran, Instructor at the Seminary and Farhangian University, Researcher and Cultural Activist,

nsadra@chmail.ir



تحليل مقارن لتعدد القراءات القرآنية في ضوء روايات التفسير للفريقين مع التركيز على أسس الوحي وتواتر

القراءة وشبهة اضطراب النص لدى المستشرقين

محمد مهدي كريمي نيا^۱

سودابه نعمتي^۲

ملخص

"اختلاف القراءات" في القرآن الكريم كان منذ القدم أحد المباحث الأساسية في علوم القرآن والفقه والتفسير، وفي العصر الحاضر أصبح أحد المحاور الرئيسية لنقد المستشرقين. إن إثارة شبهة "اضطراب النص" والادعاء بتشويه وحدة نص القرآن، قد ضاعف من ضرورة إعادة قراءة الأسس النظرية لاختلاف القراءات. هدف هذا البحث هو التحليل المقارن لوجهات نظر الشيعة وأهل السنة حول تعدد القراءات في ضوء روايات التفسير، مع التركيز على أسس الوحي وتواتر. منهج البحث هو الوصفي التحليلي ذو النهج المقارن.

أظهرت النتائج أنه على الرغم من الاختلاف في تبين منشأ ومعيار حجية القراءات، فإن غالبية علماء الفريقين يتفقون على مبدئين أساسيين: وحدة نص الوحي وصيانتها من التحريف اللفظي؛ وتواتر واعتبار القراءات المعتبرة. وبناءً على ذلك، فإن اختلاف القراءات لا يعني تعدد نص القرآن، بل يعكس تنوع وجوه الأداء والقدرات اللغوية للنص الوحياني. ونتيجة لذلك، فإن ادعاء المستشرقين حول اضطراب النص يفتقر إلى الدعم العلمي.

كلمات مفتاحية: اختلاف القراءات، روايات التفسير للفريقين، تواتر القراءة، حجية القراءات، شبهة اضطراب النص، المستشرقون، صيانة القرآن.

۱. أستاذ مساعد وعضو هيئة علمية في جامعة علوم القرآن الكريم، طالب وباحث في الحوزة العلمية بقم، الكاتب المسؤول،

kariminiya2003@yahoo.com // kariminiya2003@yahoo.com

۲. طالب في المستوى الرابع (دكتوراه)، تخصص التفسير المقارن، مؤسسة الريحانة النبي (س) التعليمية المتخصصة، مدينة أراك، محافظة مركزي، إيران، مدرس في الحوزة العلمية والجامعة الثقافية، باحث وناشط ثقافي، nsadra@chmail.ir

تحلیل تطبیقی تعدد قرائات قرآن در پرتو روایات تفسیری فریقین با تأکید بر مبانی وحی و تواتر قرائت و شبهه

اضطراب نص نزد مستشرقان

محمد مهدی کریمی نیا^۱سودابه نعمتی^۲

چکیده

«اختلاف قرائات» قرآن کریم از دیرباز یکی از مباحث بنیادین در علوم قرآن، فقه و تفسیر بوده و در دوران معاصربه یکی از محورهای اصلی نقد مستشرقان بدل شده است. طرح شبهه «اضطراب نص» و ادعای مخدوش بودن وحدت متن قرآن، ضرورت بازخوانی مبانی نظری اختلاف قرائات را دوجندان کرده است. هدف این پژوهش، تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت در باب تعدد قرائات در پرتو روایات تفسیری و با تأکید بر مبانی وحی و تواتر است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است.

یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود اختلاف در تبیین منشأ و معیار حجیت قرائات، اکثریت عالمان فریقین بر دو اصل بنیادین اتفاق نظر دارند: وحدت نص و حیانی و مصونیت آن از تحریف لفظی؛ و تواتر و اعتبار قرائت‌های معتبر. براین اساس، اختلاف قرائات به معنای تعدد متن قرآن نیست، بلکه بیانگر تنوع وجوه ادایی و ظرفیت‌های زبانی متن و حیانی است. در نتیجه، ادعای مستشرقان درباره اضطراب نص فاقد پشتوانه علمی است.

کلیدواژه‌ها: اختلاف قرائات، روایات تفسیری فریقین، تواتر قرائت، حجیت قرائات، شبهه اضطراب نص، مستشرقان، صیانت قرآن.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، نویسنده مسؤول،

kariminiya2003@yahoo.com// kariminiya2003@yahoo.com

۲. طلبه سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی تخصصی ریحانة النبی (س)، شهر اراک، استان مرکزی، ایران، مُدِرس حوزه علمیه و دانشگاه فرهنگیان، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

nsadra@chmail.ir



مقدمه

قرآن کریم، کلام الهی و معجزه جاودان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اصلی ترین منبع تشریع، هدایت و معرفت دینی مسلمانان بوده است. از منظر اعتقادی مسلمانان، قرآن همان وحی نازل شده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و به تصریح آیه شریفه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹)، از تحریف و تغییر در اصل و حیانی آن مصون مانده است. براین اساس، صیانت قرآن از تحریف لفظی، یکی از مباحث مهم در حوزه علوم قرآن و کلام اسلامی به شمار می رود (معرفت، ۱۴۲۸ق، ص ۱۹).

در کنار این باور بنیادین، در سنت اسلامی دانشی با عنوان «علم القراءات» شکل گرفته است که به بررسی وجوه و شیوه های نقل شده در ادای الفاظ قرآن می پردازد. در سده های نخستین اسلامی، عواملی همچون تفاوت های لهجه ای، شیوه های نقل و انتقال قرائت، اختلاف در ضبط و رسم الخط و برخی تفاوت های زبانی، زمینه ساز شکل گیری اختلاف در قرائت برخی الفاظ قرآن شد. تدوین و گسترش رسم مصحف های عثمانی نیز در این فرایند نقشی اساسی داشت؛ باین حال، رسم المصحف و قرائت دو مقوله یکسان نیستند و نباید اختلاف در شیوه قرائت را به طور مستقیم مساوی با اختلاف در متن قرآن دانست. در ادامه، مکاتب قرائت پدید آمدند و با تدوین آثار تخصصی، قرائات مشهور در قالب نظام های مختلف، از جمله قرائات سبع و عشر، صورت بندی شدند (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۷).

مسئله «اختلاف قرائات» در تاریخ اندیشه اسلامی همواره مورد توجه عالمان علوم قرآن، مفسران و فقیهان بوده و آثار آن در حوزه هایی همچون تفسیر، لغت، مباحث کلامی و به ویژه فقه آیات الاحکام بررسی شده است. در سنت امامیه، بحث از حجیت قرائات عمدتاً با مسئله اعتبار سند قرائت و نسبت آن با سنت معصومان علیهم السلام پیوند خورده است و دیدگاه های مختلفی درباره معیار پذیرش قرائت وجود دارد. در میان اهل سنت نیز معیارهای مختلفی برای اعتبار قرائت مطرح شده که از جمله آنها موافقت با رسم عثمانی، موافقت با وجهی از وجوه زبان عربی و صحت سند است. از این رو، نسبت دادن معیار «تواتر» به همه دیدگاه های امامیه یا اهل سنت نیازمند دقت و تفصیل بیشتری است و نمی توان آن را به صورت یک قاعده یکسان درباره همه

عالم‌ان فریقین بیان کرد (خوئی، بی‌تا، ص ۱۷۸).

در دوران معاصر، مسئله قرائات با ورود مطالعات غربی و استشراقی به حوزه قرآن پژوهی، ابعاد تازه‌ای یافته است. شماری از مستشرقان، از جمله تئودور نولدکه، ایگناس گلدزیهر، رژی بلاشرو آرتور جفری، اختلاف قرائات را در چارچوب نظریه‌های خود درباره تاریخ شکل‌گیری و انتقال متن قرآن بررسی کرده‌اند. در برخی از این رویکردها، تنوع قرائات به عنوان شاهی برای وجود تحولات تاریخی در انتقال و تثبیت متن قرآن تفسیر شده است (ریاحی مهر، ۱۴۰۲، ص ۱۶۸). بالین حال، نسبت دادن یک دیدگاه واحد به همه مستشرقان و تفسیر همه پژوهش‌های آنان به عنوان ادعای «اضطراب نص» نیازمند تفکیک و بررسی موردی است. از این رو، نقد علمی این دیدگاه‌ها مستلزم بررسی دقیق آثار و استدلال‌های هریک از نویسندگان است.

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد مسئله اختلاف قرائات را با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و در سه سطح مرتبط بررسی کند: نخست، مبانی الهیاتی و معرفت‌شناختی مرتبط با وحی، تواتر و صیانت قرآن؛ دوم، تحلیل روایات تفسیری و دیدگاه‌های عالم‌ان شیعه و اهل سنت درباره منشأ و اعتبار اختلاف قرائات؛ و سوم، بررسی و نقد ادعاهایی که برخی پژوهشگران غربی بر اساس اختلاف قرائات درباره ثبات یا وحدت متن قرآن مطرح کرده‌اند.

پرسش‌های پژوهش

در همین چارچوب، پرسش‌های اصلی و فرعی زیر مطرح می‌شود:

۱. مبانی مربوط به وحی، نقل و تواتر در اندیشه فریقین چه معیارهایی برای تمایز قرائات معتبر از قرائات شاذ ارائه می‌کنند؟
۲. روایات تفسیری شیعه و اهل سنت چه نقشی در تبیین منشأ و ماهیت اختلاف قرائات دارند؟
۳. مستشرقان و پژوهشگران غربی برای طرح دیدگاه‌هایی درباره ناپایداری یا تحول متن قرآن به چه شواهدی از اختلاف قرائات استناد کرده‌اند و این شواهد از منظر تاریخی و کلامی چگونه ارزیابی می‌شوند؟

۴. دیدگاه فقیهان و عالمان امامیه، به ویژه برخی عالمان معاصر مانند آیت الله خوئی و آیت الله معرفت، درباره حجیت قرائات چیست و این دیدگاه چه نسبتی با نظریه صیانت قرآن دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است. داده های پژوهش به شیوه کتابخانه ای و از طریق مطالعه و تحلیل منابع اصلی و مرتبط با علوم قرآن، علم قرائات، تفاسیر روایی، منابع حدیثی، آثار فقهی و پژوهش های معاصر درباره دیدگاه های مستشرقان گردآوری شده است. در تحلیل روایات، افزون بر بررسی محتوای آنها، در صورت اقتضا، به اعتبار سند، سیاق روایت، تعارض یا سازگاری آن با سایر روایات و مبانی پذیرفته شده در هر یک از دو سنت تفسیری توجه خواهد شد.

۱. مفاهیم

۱-۱. اختلاف قرائات

قرائات جمع «قرائت» و مصدر فعل «قَرَأَ» است و در زبان عربی و فارسی، معانی ای همچون خواندن، تلاوت کردن، بر زبان راندن و خواندن کتاب یا نامه دارد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۵۷۷؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۳۶۹). راغب اصفهانی، ریشه «قَرَأَ» را در اصل به معنای «جمع کردن» دانسته و «قراءة القرآن» را به معنای جمع کردن حروف و کلمات در هنگام تلاوت بیان کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۲). ابن منظور نیز «قرائت» را در ارتباط با جمع حروف و کلمات قرآن و تلاوت آنها به کار برده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۷۸). اختلاف مصدر باب «افتعال» از ریشه «خَلَفَ» است و در فارسی معانی ای مانند ناسازگاری، عدم توافق، ناهمگونی و تفاوت دارد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۷؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸۰). در زبان عربی نیز «اختلاف» در معانی ای چون ضد اتفاق و توافق و تفاوت در حال، قول یا اراده به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۸۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۴).

در اصطلاح علوم قرآن، «اختلاف قرائات» به تفاوت‌های منقول و مستند در شیوه ادای الفاظ و عبارات قرآن کریم اطلاق می‌شود که در سنت قرائت اسلامی از طریق راویان و قاریان نقل شده و براساس معیارهای پذیرفته‌شده علم قرائات، از حیث سند، زبان عربی و رسم‌المصحف ارزیابی می‌شوند. از این رو، هر تفاوت موجود در خوانش قرآن را نمی‌توان صرفاً به دلیل وجود اختلاف در اعراب، نقطه یا رسم‌الخط، «قرائت معتبر» دانست؛ بلکه اعتبار هر قرائت نیازمند بررسی سند و سایر معیارهای صحت آن است.

اختلاف قرائات ممکن است در حرکت و اعراب، ساخت صرفی و نحوی، نقطه‌گذاری، حذف یا اثبات برخی حروف و دیگر وجوه ادایی و لفظی پدیدار شود. باین حال، این تفاوت‌ها را باید از اختلافات ناشی از خطا، تصحیف، نقل غیرمعتبر یا قرائات شاذ تفکیک کرد. همچنین، نسبت دادن همه اختلاف قرائات به وضعیت اولیه رسم‌الخط مصاحف، از نظر تاریخی و روش‌شناختی کافی نیست؛ زیرا بخشی از قرائات در سنت شفاهی و روایی پیش از تثبیت و توسعه نشانه‌های خطی قرآن وجود داشته است.

۲-۱. تواتر قرائت

«تواتر» از ریشه «وُثِرَ» گرفته شده و در اصل بر پی‌درپی آمدن و پشت سرهم قرارگرفتن دلالت دارد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۷۴۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۸۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۴).

در اصطلاح علم حدیث و علوم قرآن، تواتر قرائت به انتقال یک قرائت از طریق شمار فراوانی از راویان در طبقات مختلف اطلاق می‌شود؛ به گونه‌ای که تبانی آنان بر جعل و دروغ عادتاً محال باشد و از مجموع این نقل، اطمینان یا یقین به صدور آن حاصل شود.

باین حال، میان «تواتر قرآن» و «تواتر قرائات» باید تفکیک کرد. تواتر اصل قرآن و تواتر یک قرائت خاص، دو مسئله یکسان نیستند و درباره میزان تواتر قرائات مشهور، دیدگاه‌های متفاوتی میان دانشمندان علوم قرآن وجود دارد. حتی در میان دانشمندان امامیه نیز درباره معیار حجیت قرائات و جایگاه قرائت حفص از عاصم دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. از سوی

دیگر، «قرائات سبع» و «قرائات عشر» را نیز نباید با «سبعة أحرف» یکسان دانست. «قرائات سبع» اصطلاحی ناظر به مجموعه‌ای از قرائات مشهور و نظام‌یافته در تاریخ علم قرائت است، در حالی که «سبعة أحرف» اصطلاحی برگرفته از روایات نبوی است و درباره معنا و مصداق آن میان عالمان اختلاف نظر وجود دارد.

۳-۱. سبعة أحرف

«سَبْعَةُ» عدد هفت است و «أَحْرُف» جمع «حَرْف» است. «حرف» در زبان عربی در معانی مختلفی مانند طرف، کناره، جانب و حد هر چیز به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۵؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۶).

«سبعة أحرف» اصطلاحی برگرفته از مجموعه‌ای از روایات نبوی، از جمله روایت مشهور «أنزل القرآن على سبعة أحرف» است. این اصطلاح از مباحث مهم و پیچیده علوم قرآن به شمار می‌رود و درباره معنا و مصداق آن دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است. در میان دانشمندان، تفسیرهایی همچون حمل «احرف» بر لهجه‌ها و وجوه زبانی، وجوه گوناگون در ادای الفاظ، یا برخی وجوه معنایی مطرح شده است؛ با این حال، هیچ‌یک از این تفسیرها را نمی‌توان بدون ذکر مبنای علمی، به عنوان تفسیر قطعی حدیث معرفی کرد. حتی در منابع کلاسیک نیز درباره تعیین معنای دقیق «احرف سبعه» اختلاف نظر گسترده‌ای وجود دارد.

در سنت امامیه نیز روایات و دیدگاه‌های متفاوتی درباره «سبعة أحرف» وجود دارد. برخی از عالمان امامیه روایات ناظر به نزول قرآن بر هفت حرف را نپذیرفته یا در دلالت آن‌ها مناقشه کرده‌اند و برخی دیگر کوشیده‌اند این روایات را بر وجوه معنایی یا زبانی حمل کنند. همچنین، از نظر روش‌شناختی، نباید «سبعة أحرف» را با «قرائات سبع» یکی دانست. قرائات سبع به مجموعه‌ای از قرائات مشهور اشاره دارد که بعدها در تاریخ علم قرائت صورت‌بندی و تدوین شده‌اند، در حالی که «سبعة أحرف» ناظر به اصطلاحی است که در روایات مربوط به نزول قرآن آمده است.

۴-۱. اضطراب نص قرآنی

«اضطراب» از ریشه «ضَرَبَ» و از ساخت «افتعال» است و در زبان عربی و فارسی در معانی‌ای مانند حرکت و جنبش، بی‌قراری، ناآرامی و بی‌نظمی به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۲).

«اضطراب نص قرآنی» در این مقاله به عنوان اصطلاحی تحلیلی برای صورت‌بندی یکی از شبهات مطرح‌شده درباره تاریخ انتقال و تثبیت متن قرآن به کار می‌رود؛ یعنی دیدگاهی که بر اساس آن، اختلاف قرائات، تفاوت نسخه‌ها، ویژگی‌های رسم الخط نخستین و برخی شواهد تاریخی می‌تواند نشانه‌ای از بی‌ثباتی یا تعدد صورت‌های اولیه متن قرآن تلقی شود. باین حال، از نظر پژوهشی، بهتر است این اصطلاح مستقیماً به نولدکه یا گلدزیهر نسبت داده نشود، مگر آنکه در آثار اصلی آنان، عبارت و مفهوم مورد نظر به طور دقیق مستند شود.

بنابراین، در این مقاله، «اضطراب نص قرآنی» یک عنوان تحلیلی برای دیدگاهی است که از اختلاف قرائات، شواهد نسخه‌شناختی و تاریخ انتقال متن، نتیجه بی‌ثباتی اصل متن قرآن را استنباط می‌کند؛ سپس این استدلال با تکیه بر شواهد تاریخی، روایی و مبانی علوم قرآن ارزیابی خواهد شد.

۲. مبانی نظری و تاریخی اختلاف قرائات

این بخش به تبیین بستر تاریخی و نظری «اختلاف قرائات» می‌پردازد تا روشن شود که این پدیده را نمی‌توان صرفاً نشانه نقص یا بی‌ثباتی در وحی دانست؛ بلکه باید آن را در پیوند با تاریخ نزول قرآن، سنت شفاهی انتقال قرائت، رسم مصاحف نخستین و شکل‌گیری دانش قرائات بررسی کرد.

۱-۲. پیدایش قرائات و نقش اصحاب پیامبر ﷺ

اختلاف قرائات در سنت اسلامی به دوره نزول قرآن و شیوه انتقال شفاهی آن بازمی‌گردد. باین حال، لازم است میان تفاوت‌هایی که در چارچوب روایات مربوط به «سبعة أحرف» و

تسهیل قرائت در عصر نزول مطرح شده‌اند و اختلافاتی که در دوره‌های بعد، در قالب نقل‌های قرائی و اجتهادهای مربوط به وجوه ادای الفاظ پدیدار شده‌اند، تفکیک شود. از این رو، نمی‌توان همه اختلافات موجود در قرائات را به یک عامل واحد نسبت داد.

الف) عوامل مؤثر در شکل‌گیری و انتقال قرائات

۱. تفاوت‌های زبانی و لهجه‌ای: جامعه عرب در عصر نزول، از گروه‌ها و قبایل گوناگون با ویژگی‌های زبانی و لهجه‌ای متنوع تشکیل می‌شد. در روایات مربوط به «سبعة أحرف» نیز بر تسهیل قرائت قرآن برای جامعه نخستین مسلمانان تأکید شده است. باین حال، نسبت دادن این مسئله به یک «نزول قرآن به لهجه قریش و سپس اجازه تغییر آن به لهجه قبایل» نیازمند تفصیل و مستندات بیشتری است.

۲. ویژگی‌های رسم الخط مصاحف نخستین: مصاحف اولیه فاقد بسیاری از نشانه‌های متأخر نقطه‌گذاری و اعراب بودند و همین ویژگی موجب می‌شد برخی صورت‌های خوانشی با یک رسم مشترک قابل نمایش باشند. برای نمونه، در رسم مصحف، واژه‌ای مانند «فَتَبَيَّنُوا» می‌تواند با توجه به نوع نقطه‌گذاری و ضبط، قرائت «فَتَبَيَّنُوا» را نیز در خود جای دهد. باین حال، از نظر روش شناختی، نباید فقدان نقطه و اعراب را علت پیدایش همه قرائات دانست؛ زیرا بسیاری از قرائات در سنت شفاهی و از طریق نقل و تلقی از قاریان نخستین منتقل شده‌اند.

۳. انتقال شفاهی و گسترش مراکز آموزش قرآن: پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گروهی از صحابه که قرآن را از پیامبر صلی الله علیه و آله فراگرفته بودند، به شهرها و مناطق مختلف جهان اسلام مهاجرت کردند و به تعلیم قرآن پرداختند. شکل‌گیری مراکز مهم قرائت در شهرهایی مانند مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام موجب شد سنت‌های قرائتی در مناطق مختلف استمرار یابد و در نسل‌های بعد، از طریق سلسله‌های آموزشی و روایی به قاریان منتقل شود.

ب) نقش اصحاب پیامبر ﷺ

صحابه در انتقال و آموزش تلاوت قرآن نقشی اساسی داشتند. شماری از آنان به عنوان معلمان و قاریان برجسته قرآن شناخته شدند و شاگردان متعددی را تربیت کردند. از جمله صحابه‌ای که در منابع قرآنی و تاریخی به نقش آنان در تعلیم قرآن و قرائت اشاره شده است، می‌توان به عثمان بن عفان، علی بن ابی‌طالب، اُبَی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، ابوموسی اشعری و ابودرداء اشاره کرد.

در کنار این مسئله، وجود مصاحف منسوب به برخی صحابه، از جمله مصحف عبدالله بن مسعود و اُبَی بن کعب، نشان‌دهنده تنوع در مرحله نخستین تاریخ تدوین و تعلیم قرآن است. با این حال، هر تفاوتی که در این مصاحف گزارش شده است، لزوماً به معنای وجود متن‌های متفاوت قرآن نیست؛ بلکه برخی از موارد ممکن است ناظر به اختلاف در ترتیب، شیوه ثبت، وجوه قرائت یا درج توضیحات تفسیری بوده باشد. از این رو، نسبت دادن همه این موارد به «اختلاف در متن قرآن» نیازمند بررسی موردی هر گزارش و ارزیابی سند و محتوای آن است. در این زمینه، آیت‌الله خوئی نیز در بحث از مصاحف صحابه و گزارش‌های مربوط به اختلافات آن‌ها، میان قرآن متواتر و گزارش‌های غیرمتواتر درباره مصاحف و قرائات تفکیک می‌کند (خوئی، بی‌تا، ص ۲۰۰).

۲-۲. حدیث «سبعة أحرف» و تفسیر فریقین

حدیث «أنزل القرآن على سبعة أحرف» از مهم‌ترین روایاتی است که در بحث از تنوع قرائت قرآن در دوره نزول مورد استناد قرار گرفته است. با این حال، تفسیر این حدیث و تعیین مراد از «أحرف» از مسائل اختلافی علوم قرآن است و میان دانشمندان مسلمان دیدگاه‌های متعددی درباره آن وجود دارد.

الف) جایگاه و پذیرش حدیث

روایات مربوط به «سبعة أحرف» در منابع حدیثی اهل سنت از شماری از صحابه، از جمله



عمر بن خطاب، اُبَی بن کعب و عبدالله بن مسعود، نقل شده است و بسیاری از عالمان اهل سنت آن را از احادیث مشهور و دارای طرق متعدد دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۸).

در منابع امامیه نیز روایاتی درباره وحدت قرآن و نحوه قرائت آن نقل شده است. از جمله در الکافی روایاتی با مضمون وحدت قرآن و نزول آن از نزد خداوند آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۰). با این حال، از این مسئله نمی‌توان بدون تحلیل سندی و دلالتی، نتیجه گرفت که موضع همه عالمان امامیه درباره «سبعة أحرف» یکسان است؛ زیرا در میان آنان نیز درباره اعتبار، معنا و نحوه جمع میان روایات مربوط به این موضوع دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

ب) تفسیر «سبعة أحرف» از دیدگاه فریقین

در میان دانشمندان اهل سنت، درباره مراد از «سبعة أحرف» دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است. برخی آن را به وجوه مختلف زبانی و لهجه‌ای، برخی به انواعی از اختلاف در الفاظ و ساختارهای زبانی و برخی به وجوه دیگری از تنوع در قرائت تفسیر کرده‌اند. در میان دانشمندان امامیه نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. آیت الله معرفت در بحث از «أحرف سبعة» آن را به معنای هفت قرائت لفظی مستقل نمی‌پذیرد و تبیین‌های دیگری برای این روایات ارائه می‌کند (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۳۴).

در نتیجه، باید میان سه مفهوم «سبعة أحرف»، «قرائات» و «قرائات سبع» تفکیک کرد. «سبعة أحرف» اصطلاحی برگرفته از روایات مربوط به نزول قرآن است؛ «قرائات» به وجوه منقول و نظام یافته قرائت قرآن اشاره دارد و «قرائات سبع» عنوانی تاریخی برای مجموعه‌ای از قرائات است که در دوره تدوین علم قرائات به صورت مشخص طبقه‌بندی شده‌اند.

۳-۲. توحید مصاحف در عصر عثمان

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ انتقال مکتوب قرآن، اقدام عثمان بن عفان برای هماهنگ‌سازی مصاحف و ارسال نسخه‌هایی از مصحف معیار به مراکز مهم اسلامی بود. این

اقدام را باید در زمینه گسترش قلمرو اسلامی و بروز اختلاف در شیوه‌های قرائت و آموزش قرآن در مناطق مختلف بررسی کرد.

الف) هدف و شیوه اجرا

در نیمه نخست خلافت عثمان، در پی گزارش‌هایی درباره اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن، تصمیم به تهیه مصاحف معیار گرفته شد. در گزارش‌های مشهور تاریخی، زید بن ثابت به همراه گروهی از قریشیان مأمور شدند با استفاده از نسخه‌ای که نزد حفصه بود، مصاحف را تنظیم و تکثیر کنند.

هدف اصلی این اقدام، ایجاد هماهنگی در رسم و کتابت مصحف و جلوگیری از گسترش اختلافات در جامعه اسلامی بود؛ از این رو، تعبیر «تثبیت یک متن جدید» یا «حذف همه وجوه قرائت» نیازمند احتیاط است. رسم مصاحف عثمانی در مواردی به گونه‌ای تنظیم شد که امکان انعکاس برخی وجوه قرائت را حفظ کند. نمونه «فَتَّبِیْنُوْا/ فَتَثَبُّوْا» از مواردی است که یک رسم مشترک می‌تواند دو وجه خوانش را دربرگیرد.

ب) آثار و پیامدهای توحید مصاحف

اقدام عثمان را می‌توان از سه جهت در تاریخ قرائات مهم دانست:

۱. ایجاد معیار مکتوب مشترک: رسم مصاحف عثمانی به عنوان چارچوب مکتوب مشترکی برای انتقال و آموزش قرآن در مناطق مختلف اسلامی تثبیت شد.
۲. محدود شدن اختلافات نوشتاری: با گسترش مصاحف معیار، از پراکندگی بیشتر در شیوه کتابت جلوگیری شد و مصاحف شخصی که با مصاحف معیار تفاوت‌هایی داشتند، از چرخه رسمی آموزش و کتابت کنار گذاشته شدند.
۳. شکل‌گیری رابطه میان رسم و قرائت: از آن پس، سازگاری قرائت با رسم مصحف عثمانی به یکی از معیارهای مهم در ارزیابی قرائات تبدیل شد. با این حال، رسم به تنهایی معیار کافی برای صحت قرائت نیست و در سنت علم قرائات، صحت سند و موافقت با وجه معتبر زبان

عربی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بنابراین، توحید مصاحف را نباید صرفاً به معنای «تشبیه یک قرائت واحد» دانست؛ بلکه این اقدام بیش از هر چیز به استانداردسازی رسم و کتابت قرآن و جلوگیری از تشدید اختلافات نوشتاری و آموزشی مربوط بود.

۴-۲. تقسیم قرائات و ملاک حجیت

با گسترش دانش قرائات، تلاش‌هایی برای گردآوری، طبقه‌بندی و ارزیابی قرائات صورت گرفت. در قرن چهارم هجری، ابن مجاهد با انتخاب هفت قاری مشهور، نقش مهمی در تثبیت عنوان «قرائات سبع» ایفا کرد. پس از آن، دانشمندان دیگری به توسعه معیارهای ارزیابی قرائات پرداختند و در دوره‌های بعد، قرائات عشر نیز به صورت نظام‌مند مورد توجه قرار گرفتند. در چارچوب علم قرائات، برای پذیرش یک قرائت صحیح، سه معیار مشهور، که به ابن جزری نیز مستند شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. موافقت با رسم مصحف عثمانی، ولو به صورت احتمالی؛

۲. موافقت با یکی از وجوه صحیح زبان عربی؛

۳. صحت سند نقل قرائت.

بنابراین، صرف انطباق یک خوانش با رسم مصحف، برای اثبات صحت آن کافی نیست؛ همان‌گونه که صحت سند نیز بدون توجه به رسم و زبان عربی، به تنهایی برای پذیرش همه وجوه قرائت کافی تلقی نمی‌شود.

۳. مبانی وحی و تواتر قرائت در اندیشه فریقین

این بخش بر مبانی الهی و معرفت‌شناختی نزول و صیانت وحی تمرکز دارد و نسبت میان وحدت نص قرآنی و تنوع قرائات را در اندیشه فریقین بررسی می‌کند. هدف آن است که روشن شود اختلاف قرائات، در صورتی که با معیارهای معتبر علم قرائات سنجیده شود، لزوماً به معنای تعدد یا بی‌ثباتی اصل وحی نیست.

۱-۳. مفهوم وحی و صیانت الفاظ در کلام اسلامی

«وحی» در لغت به معنای القای سریع و پنهانی و در اصطلاح دینی، به ارتباط ویژه خداوند با پیامبران برای ابلاغ پیام الهی اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶۴). در الهیات اسلامی، قرآن به عنوان وحی الهی، از جایگاهی متمایز از حدیث نبوی و حدیث قدسی برخوردار است. بر اساس دیدگاه غالب مسلمانان، قرآن کلام خداوند است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کننده و ابلاغ کننده وحی است، نه مؤلف یا پدیدآورنده آن.

یکی از مبانی اساسی در کلام اسلامی، اعتقاد به صیانت قرآن از تحریف و تغییر در اصل وحی است. آیه شریفه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) از مهم ترین آیاتی است که در استدلال های کلامی درباره حفظ قرآن مورد استناد قرار گرفته است. در اندیشه امامیه نیز متفکرانی مانند آیت الله خوئی با استناد به تواتر قرآن و ادله نقلی و عقلی، دیدگاه تحریف قرآن را مردود دانسته اند (خوئی، بی تا، ص ۲۰۰).

بر این اساس، اگر اصل قرآن متنی وحیانی و محفوظ باشد، وجود اختلاف در برخی وجوه قرائت، به خودی خود به معنای تعدد اصل وحی نیست؛ بلکه باید منشأ و اعتبار هر قرائت به صورت مستقل بررسی شود. بنابراین، در این پژوهش، «وحدت نص» به معنای وحدت اصل قرآن نازل شده است و «تنوع قرائات» به تفاوت های منقول در نحوه ادای آن مربوط می شود.

۲-۳. دیدگاه امامان معصوم علیهم السلام درباره وحدت قرآن و قرائت

یکی از روایات مهم در منابع امامیه درباره وحدت قرآن، روایت منقول از امام باقر علیه السلام است: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ، نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۰). مفاد این روایت، میان وحدت منشأ نزول قرآن و اختلافی که در مرحله نقل و روایت پدید می آید، تفکیک می کند.

در برخی روایات امامیه، امام صادق علیه السلام در مواجهه با قرائتی که با قرائت رایج تفاوت داشته است، می فرماید: «أَقْرَأُ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۸۰). این روایت نشان دهنده اهمیت قرائت رایج و شناخته شده در جامعه اسلامی در مقام عمل است.

باین حال، دلالت آن باید با احتیاط تحلیل شود؛ زیرا از آن نمی‌توان به‌طور مستقیم نتیجه گرفت که همه قرائات مشهور در دوره‌های بعد، به یکسان از نظروحیانی بودن و حجیت برخوردارند.

۳-۳. رابطه حدیث «القرآن واحد» با نظریه تواتر

میان «تواتر قرآن» و «تواتر یک قرائت خاص» باید تفکیک کرد. اصل قرآن در اندیشه اسلامی از طریق نقل گسترده و مستمر جامعه مسلمانان منتقل شده است؛ اما درباره اینکه هریک از قرائات مشهور تا چه اندازه با شرایط تواتر اصطلاحی منطبق‌اند، میان دانشمندان مذاهب اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

بر اساس مبنای مورد استفاده در این پژوهش، می‌توان میان وحدت اصل متن قرآنی و تنوع در وجوه ادای آن تفکیک کرد. در این صورت، وجود قرائات متفاوت در برخی واژه‌ها یا ساخت‌های زبانی، تا زمانی که در چارچوب معیارهای معتبر قرائت قرار داشته باشد، به‌تنهایی مستلزم تعدد نص نیست. قرائت حفص از عاصم در دوره معاصر به قرائت غالب در بسیاری از جوامع اسلامی تبدیل شده است، اما «غلبه عملی و شهرت عمومی» را نباید با «تواتر اصطلاحی» یکی دانست.

۴-۳. فلسفه وجودی تعدد قرائات در نسبت با وحدت وحی

پذیرش وحدت اصل وحی، لزوماً به معنای نفی هرگونه تنوع در شیوه قرائت نیست. برای تبیین این مسئله باید میان اختلاف در ادای لفظ، اعراب، ساخت صرفی یا نحوی و برخی وجوه زبانی با اختلاف در اصل متن تمایز قائل شد.

اختلاف قرائات در برخی موارد می‌تواند در معنا یا برداشت تفسیری و فقهی آیه اثر بگذارد. برای نمونه، اختلافات قرائی در برخی آیات می‌تواند موجب تفاوت در تحلیل نحوی یا معنایی شود؛ اما وجود چنین تفاوتی به‌تنهایی به معنای تعدد متن نیست. قرائات از یک سو به متن و سنت نقل آن وابسته‌اند و از سوی دیگر، در تفسیر و تحلیل زبانی آیات نقش دارند. مفسران

مسلمان، از جمله طبری، در موارد متعدد قرائات مختلف را نقل کرده و سپس با استفاده از شواهد زبانی، نحوی، سیاق آیات و روایات، درباره ترجیح آن‌ها داوری کرده‌اند.

۴. تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های مفسران روایی شیعه و اهل سنت

هدف این بخش، بررسی تطبیقی جایگاه اختلاف قرائات در سنت تفسیری فریقین است. پرسش اصلی آن است که مفسران شیعه و اهل سنت چگونه میان وحدت متن قرآن و تنوع قرائات جمع کرده‌اند و قرائات را در فرآیند تفسیر و استنباط چه جایگاهی داده‌اند.

۱-۴. جایگاه اختلاف قرائات در تفاسیر روایی اهل سنت

تفاسیر اهل سنت، به‌ویژه تفاسیر جامع و مأثور، بخش قابل توجهی از اختلافات قرائی را گزارش کرده‌اند. در این میان، جامع‌البیان طبری نمونه برجسته‌ای است. طبری در موارد متعدد، قرائات مختلف را نقل می‌کند و سپس با استفاده از شواهد زبانی، نحوی، روایی و سیاقی، یکی از آن‌ها را ترجیح می‌دهد. از این رو، روش او صرفاً جمع‌آوری قرائات نیست، بلکه گزارش، ارزیابی و ترجیح را دربرمی‌گیرد. برای مثال، در مواردی تعبیر «أولی القراءات... بالصواب» را به کار می‌برد و سپس مبنای ترجیح خود را توضیح می‌دهد.

در الجامع لأحكام القرآن قرطبی نیز قرائات در موارد متعددی در ارتباط با احکام فقهی و تحلیل معنای آیات مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، در سنت تفسیری اهل سنت، قرائات می‌توانند علاوه بر کارکرد روایی، کارکرد تفسیری و فقهی نیز داشته باشند.

۲-۴. جایگاه اختلاف قرائات در تفاسیر روایی شیعه

در تفاسیر شیعه نیز قرائات مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ باین حال، نحوه استفاده از آن‌ها تحت تأثیر مبانی روایی، کلامی و اصولی امامیه قرار دارد. طبری در مجمع‌البیان بسیاری از قرائات را گزارش و سپس از منظر زبان، نحو، معنا و گاه مبانی تفسیری به تحلیل آن‌ها می‌پردازد. در تفاسیر روایی متأخر امامیه، از جمله الصافی فیض کاشانی و نورالثقلین حویزی نیز روایات مربوط به قرائات و اختلاف در خوانش آیات گزارش شده است. باین حال، حضور یک روایت



قرائی در این تفاسیر لزوماً به معنای پذیرش آن به عنوان متن قرآن نیست؛ بلکه باید میان نقل روایت، پذیرش سند، پذیرش دلالت و حجیت قرائت تفکیک کرد.

۳-۴. ماهیت اجتهادی مواجهه تفسیری با قرائات

مفسر، هنگام مواجهه با چند وجه قرائی، ممکن است از معیارهای مختلفی مانند سند، زبان عربی، نحو، سیاق آیه، شواهد شعری و روایی و مبانی تفسیری برای ارزیابی آن‌ها استفاده کند. در این معنا، اجتهاد تفسیری درباره قرائت با «اجتهاد در ساخت یا تغییر متن قرآن» تفاوت اساسی دارد. مفسر می‌تواند درباره معنای یک قرائت، ترجیح میان چند وجه یا نحوه توجیه نحوی آن اجتهاد کند، بدون آنکه این امر به معنای تغییر در اصل متن وحی باشد. طبری نمونه روشنی از چنین رویکردی است؛ زیرا او در موارد متعدد پس از گزارش اختلاف قرائات، بر اساس زبان، سیاق و شواهد تفسیری یکی را ترجیح می‌دهد. در مجمع‌البیان نیز قرائات در کنار مباحث نحوی، لغوی و تفسیری بررسی می‌شوند و این نشان می‌دهد که قرائات برای مفسر صرفاً یک داده روایی نیستند، بلکه می‌توانند در تبیین وجوه معنایی آیات نقش داشته باشند.

۴-۴. کارکرد روایات قرائات در تبیین تحریف و مصونیت قرآن

روایات مربوط به قرائات در هر دو سنت تفسیری، با مسئله مصونیت قرآن ارتباط پیدا می‌کنند؛ اما نحوه استفاده از آن‌ها متفاوت است. در برخی رویکردهای اهل سنت، تعدد قرائات معتبر در چارچوب رسم مصحف و سنت نقل قرائت تبیین می‌شود. در این نگاه، وجود چند وجه قرائی لزوماً به معنای وجود چند متن مستقل نیست. در اندیشه امامیه نیز روایاتی مانند «القرآن واحدٌ، نزل من عند واحد...» برای تأکید بر وحدت منشأ وحی مورد استناد قرار گرفته‌اند.

۵-۴. عوامل تمایز دیدگاه‌های فریقین در تفسیر روایی اختلاف قرائات

مهم‌ترین عوامل تمایز میان رویکردهای فریقین را می‌توان در چهار محور خلاصه کرد:

۱. مبنای حجیت: در سنت اهل سنت، مباحث قرائات به شدت با سنت قاریان، حدیث «سبعة أحرف» و معیارهای متأخر علم قرائات پیوند خورده است. در امامیه، علاوه بر نقل قرائت، روایات ائمه علیهم السلام، مبانی اصولی و مسئله تواتر قرآن نقش مهمی در ارزیابی قرائات دارند.

۲. میزان پذیرش تنوع قرائات: در میان اهل سنت نیز درباره میزان تواتر و حجیت قرائات دیدگاه یکسانی وجود ندارد. در میان امامیه نیز دیدگاه واحدی وجود ندارد و نمی توان همه دانشمندان شیعه را به پذیرش یا ردّ مطلق قرائات سبع و عشر نسبت داد.

۳. نقش قراء و راویان: در سنت قرائت اهل سنت، سلسله قاریان و راویان نقش مهمی در انتقال و تثبیت وجوه قرائی دارد. در امامیه، در کنار توجه به نقل قرائت، مسئله اعتبار روایت و نسبت آن با سنت اهل بیت علیهم السلام نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۴. نسبت قرائت با وحدت نص: هر دو سنت تفسیری، با وجود تفاوت در مبانی و میزان پذیرش قرائات، در اصل حفظ قرآن و صیانت آن از تحریف تأکید دارند؛ اما در توضیح نسبت میان «وحدت متن» و «تعدد قرائات» مسیرهای استدلالی متفاوتی را پیموده اند.

۵. دیدگاه فقیهان امامیه درباره حجیت قرائات مختلف

اختلاف قرائات، افزون بر جنبه های تاریخی و تفسیری، در حوزه فقه نیز اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا یکی از مسائل مورد بحث فقیهان، تعیین قرائت معتبر برای ادای نماز و میزان حجیت وجوه مختلف قرائت قرآن است. در فقه امامیه، این مسئله در پیوند با دو اصل اساسی، یعنی صیانت قرآن و اعتبار قرائت از یک سو، و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره نحوه قرائت از سوی دیگر، بررسی شده است.

۱-۵. قرائت های رایج در عصر ائمه علیهم السلام و میزان اعتبار آنها

در دوره حضور ائمه علیهم السلام، وجوه مختلف قرائت قرآن در میان مسلمانان وجود داشت و این مسئله در روایات نیز بازتاب یافته است. یکی از مهم ترین روایات امامیه در این زمینه، روایت امام باقر علیه السلام است که بر وحدت منشأ قرآن تأکید دارد. همچنین روایت امام صادق علیه السلام که

می‌فرماید: «اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ»، در استنباط فقهی درباره قرائت مورد توجه قرار گرفته است. درباره مفاد این روایت، تفاسیر متفاوتی ارائه شده است؛ از جمله اینکه مراد از «قرائت مردم»، قرائت متعارف و رایج در زمان و محیط مخاطب باشد یا اینکه روایت، ناظر به یک قاعده عملی برای جلوگیری از اختلاف و منازعه میان مسلمانان است.

۲-۵. آرای فقیهان امامیه از متقدمان تا معاصران

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که فقیهان امامیه درباره جواز قرائت به وجوه مختلف، دیدگاه واحدی نداشته‌اند. برخی از متقدمان، با توجه به رواج قرائات در میان مسلمانان و شهرت قاریان، دامنه وسیع‌تری برای جواز قرائت در نماز قائل شده‌اند؛ درحالی‌که شماری از متأخران، با تکیه بر مباحث سندی و اصولی، در اثبات تواتر اصطلاحی قرائات مشهور احتیاط بیشتری کرده‌اند.

شیخ طوسی در آثار فقهی خود، مسئله قرائات را با توجه به قرائات مشهور و مورد پذیرش مسلمانان بررسی کرده است. در دوره معاصر، این رویکرد انتقادی در آثار ابوالقاسم خویی برجسته‌تر شده است. وی در *البيان في تفسير القرآن* میان «قرآن» و «قرائات» تفکیک می‌کند و تصریح دارد که قرائات هفت‌گانه اصطلاحی را نباید با «احرف سبعه» یکی دانست. او همچنین تواتر قرائات اصطلاحی را مورد نقد قرار داده و حجیت آنها را نیازمند دلیل مستقل می‌داند.

۳-۵. ضابطه صحت قرائت در نماز و نسبت آن با صیانت قرآن

در مسئله قرائت نماز، باید میان دو پرسش تفکیک کرد: آیا قرائت مورد نظر، از نظر انتساب به قرآن معتبر است؟ و آیا قرائت مذکور برای امتثال تکلیف شرعی در نماز کافی است؟ این دو مسئله کاملاً یکسان نیستند. ممکن است قرائتی در حوزه مطالعات تفسیری و تاریخی مورد توجه قرار گیرد، اما از نظر فقهی برای ادای واجب نماز حجیت نداشته باشد.

در سنت علوم قرآنی اهل سنت، سه معیار مشهور برای قرائت صحیح مطرح شده است. اما در فقه امامیه، صرف انطباق با این سه معیار برای اثبات حجیت فقهی قرائت کافی تلقی

نمی‌شود و مسئله تواتر، شهرت و اطمینان از انتساب نیز مورد توجه قرار گرفته است. قرائت‌های شاذ یا قرائت‌هایی که انتساب آنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله احراز نشده است، نمی‌توانند دلیل مستقلی برای اثبات وجود نسخه‌ای متفاوت از قرآن تلقی شوند.

۴-۵. جمع‌بندی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی شیعه و اهل سنت

تفاوت دیدگاه فقهی فریقین درباره قرائات، بیش از آنکه به اصل وجود تنوع قرائت مربوط باشد، به معیار اعتبار و حجیت این قرائات بازمی‌گردد. در میان دانشمندان اهل سنت، قرائات مشهور و واجد شرایط، با تکیه بر سنت قرائی و مباحث مربوط به احرف سبعة، جایگاه گسترده‌ای در تلاوت و استنباط فقهی یافته‌اند. در مقابل، در فقه امامیه، به‌ویژه در میان متأخران، درباره اثبات تواتر قرائات مشهور احتیاط بیشتری صورت گرفته و اعتبار فقهی قرائت به احراز شرایطی چون انتساب معتبر و اطمینان از صحت آن وابسته دانسته شده است.

۶. تحلیل و نقد دیدگاه مستشرقان درباره اضطراب نص

مطالعات جدید غربی درباره قرآن، به‌ویژه از سده نوزدهم میلادی به بعد، مسئله تاریخ شکل‌گیری متن قرآن، جمع مصاحف و اختلاف قرائات را در کانون توجه قرار داد. برخی از پژوهشگران غربی، از وجود قرائات گوناگون، مصاحف منسوب به برخی صحابه و گزارش‌های مربوط به توحید مصاحف، برای طرح پرسش‌هایی درباره تاریخ تثبیت متن قرآن استفاده کرده‌اند.

۱-۶. برخی نمایندگان برجسته رویکرد شرق‌شناسانه

در مطالعات شرق‌شناسانه درباره قرآن، دیدگاه‌های تئودور نولدکه، ایگناز گلدزیهر و آرتور جفری اهمیت ویژه‌ای دارند. باین حال، نسبت دادن یک نظریه واحد به همه این پژوهشگران دقیق نیست. رویکرد آنان به منشأ قرائات، تاریخ تدوین قرآن و اعتبار روایات متفاوت است و باید هر یک به صورت مستقل بررسی شود. از این رو، در این پژوهش از تعبیرهایی مانند «برخی از پژوهشگران غربی» یا «در دیدگاه فلان پژوهشگر» استفاده شده است.

۲-۶. تحلیل نظریه «سبعة أحرف» در رویکرد شرق شناسانه

حدیث «أنزل القرآن على سبعة أحرف» از مهم ترین موضوعات مرتبط با مسئله قرائات است. در سنت امامیه، در مقابل، روایاتی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده که بروحدت منشأ قرآن تأکید می کنند. پاسخ علمی به قرائت شرق شناسانه از «سبعة أحرف» این نیست که صرفاً یک تفسیر خاص را قطعی بدانیم؛ بلکه باید نخست معنای «حرف» در این حدیث، اعتبار سندی روایات، اختلاف نقل ها و تاریخ شکل گیری اصطلاح قرائات سبع بررسی شود.

۳-۶. بررسی ادله مربوط به اضطراب نص و تعدد متن

یکی از محورهای استدلال شرق شناسان، استناد به قرائات شاذ و مصاحف منسوب به برخی صحابه است. در اینجا باید میان سه سطح تمایز نهاد:

نخست، مصحف شخصی صحابه: این مصاحف الزاماً در حکم نسخه های مستقل و بدیل قرآن نبوده اند؛ زیرا ممکن است در کنار متن قرآن، شامل یادداشت های تفسیری، ترتیب شخصی یا نشانه های آموزشی بوده باشند.

دوم، قرائات شاذ: قرائت شاذ، به خودی خود، معادل «متن بدیل قرآن» نیست. اعتبار آن باید بر اساس معیارهای علم قرائت و حدیث بررسی شود.

سوم، متن متواتر قرآن: اثبات وجود اختلاف در برخی نقل های قرائی، زمانی می تواند به ادعای تعدد متن منجر شود که نشان داده شود این اختلافات، در سطح متن اصلی قرآن و با پشتوانه انتقال گسترده و معتبر وجود داشته اند.

۴-۶. نقد کلامی و تاریخی دیدگاه اضطراب نص

نقد این دیدگاه در سنت اسلامی را می توان در دو سطح سامان داد. نقد کلامی: در اندیشه اسلامی، آیات مربوط به صیانت قرآن، به ویژه آیه ۹ سوره حجر، از مهم ترین مستندات نظریه حفظ قرآن به شمار می رود. افزون بر آن، در سنت امامیه، روایاتی مانند «القرآن واحد...» بر وحدت منشأ قرآن تأکید دارند. نقد تاریخی: از نظر تاریخی نیز باید میان قرائت، مصحف

شخصی، رسم المصحف و متن قرآن تفکیک کرد. مصاحف شخصی صحابه لزوماً نسخه‌های رقیب قرآن نبوده‌اند و اختلاف در برخی نقل‌های قرائی نیز بدون احراز تواتر نمی‌تواند به عنوان شاهی برای وجود متن دیگری از قرآن تلقی شود.

۵-۶. دیدگاه عالمان معاصر مسلمان

در میان عالمان معاصر امامیه، خوبی و معرفت در تحلیل رابطه میان قرآن و قرائات نقش مهمی دارند. خوبی با نقد تواتر قرائات سبع اصطلاحی، از یک سو میان «قرآن» و «قرائت» تفکیک می‌کند و از سوی دیگر، این نکته را برجسته می‌سازد که نمی‌توان صرف شهرت یک قرائت را معادل اثبات و حیانی بودن آن دانست. معرفت نیز در *التمهید فی علوم القرآن*، مسئله قرائات را در چارچوب بحث احرف سبعه و تاریخ قرائات بررسی می‌کند.

۷. نسبت اختلاف قرائات با تحریف و صیانت متن قرآن

اختلاف قرائات از نظر مفهومی با «تحریف قرآن» یکسان نیست. تحریف در اصطلاح علوم قرآن می‌تواند به تغییر در الفاظ، حذف یا افزایش، جابه‌جایی مواضع یا تغییر در معنا و تفسیر اطلاق شود؛ در حالی که اختلاف قرائات، ناظر به تفاوت‌هایی در نحوه ادای الفاظ و وجوه نقل شده از تلاوت است.

۱-۷. مفهوم تحریف در علوم قرآن و انواع آن

تحریف در معنای عام، به معنای تغییر و عدول از صورت یا معنای اصلی یک چیز است. در مطالعات قرآنی، معمولاً میان تحریف لفظی و تحریف معنوی تمایز گذاشته می‌شود. در کلام امامیه، دیدگاه غالب عالمان بر نفی تحریف لفظی قرآن استوار است و آیات صیانت، از جمله آیه ۹ سوره حجر، در این زمینه مورد استناد قرار گرفته‌اند.

۲-۷. نسبت اختلاف قرائات و تحریف در اندیشه خوبی و معرفت

خوبی در *البیان* میان قرآن و قرائات تمایز روشنی برقرار می‌کند. از دیدگاه او، نمی‌توان



قرائات سبع اصطلاحی را صرفاً به دلیل شهرت، عین قرآن و حیانی دانست. این تفکیک از نظر پاسخ به شبهه تحریف اهمیت فراوان دارد؛ زیرا اگر هر نقل قرائی را عین قرآن بدانیم، اختلاف نقل‌ها می‌تواند به صورت مصنوعی به اختلاف در متن قرآن تبدیل شود. معرفت نیز در بررسی تاریخ قرائات، بر ضرورت تفکیک میان قرآن و وجوه قرائت تأکید دارد.

۳-۷. ظرفیت دلالتی قرآن و نسبت آن با اختلاف قرائات

برخی از مفسران و متفکران اسلامی، با تأکید بر عمق و گستره دلالتی قرآن، بر این باورند که برخی وجوه قرائت می‌توانند در فهم لایه‌های معنایی آیات نقش داشته باشند. از این منظر، در مواردی که اختلاف قرائت از نظر سند و قواعد زبانی معتبر باشد، تفاوت قرائت می‌تواند به توسعه فهم معنایی آیه کمک کند؛ اما این امر نباید به معنای تعدد متن قرآن یا اثبات صحت همه قرائات تلقی شود.

۴-۷. جمع دیدگاه‌ها: از وحدت نص تا تنوع دلالت

با جمع‌بندی مباحث پیشین می‌توان سه سطح متفاوت را از یکدیگر تفکیک کرد: نخست، سطح کلامی: اصل قرآن به عنوان وحی الهی و متن محفوظ مورد بحث است. دوم، سطح فقهی: مسئله اصلی، تعیین قرائت قابل اعتماد برای امتثال تکالیف شرعی است. سوم، سطح تفسیری: در صورت اثبات اعتبار یک وجه قرائت، تفاوت آن می‌تواند در تبیین برخی وجوه معنایی آیه مؤثر باشد.



نتیجه‌گیری نهایی

بررسی تاریخی، تفسیری و فقهی اختلاف قرائات نشان داد که این پدیده را نمی‌توان بدون تفکیک میان قرآن، قرائت، رسم‌المصحف، روایت قرائی و قرائت شاذ تحلیل کرد. بخش مهمی از اختلافات موجود در میراث قرائی، در سطح نحوه ادای الفاظ و شیوه نقل و انتقال قرائات قرار دارد و صرف وجود چنین اختلافی، دلالتی بر تعدد اصل وحی ندارد.

۱. جمع‌بندی تطبیقی

از منظر تطبیقی، تفاوت فریقین را می‌توان در معیار اعتبار قرائات و نسبت آنها با احرف سبعة خلاصه کرد. در بخش مهمی از سنت اهل سنت، قرائات مشهور و واجد شرایط، در پیوند با حدیث احرف سبعة و سنت قرائی، جایگاه گسترده‌ای یافته‌اند. در مقابل، در میان عالمان امامیه، به‌ویژه برخی متأخران، میان «قرآن» و «قرائات» تفکیک بیشتری صورت گرفته و اثبات حجیت هر قرائت نیازمند دلیل مستقل دانسته شده است. اختلاف فریقین بیش از آنکه اختلاف درباره اصل صیانت قرآن باشد، اختلاف درباره تبیین منشأ قرائات، معنای احرف سبعة و معیار اثبات حجیت هر قرائت است.

۲. پاسخ به پرسش‌های اساسی پژوهش

رابطه وحی و قرائت: رابطه میان متن وحیانی و نحوه انتقال و ادای آن است؛ اما انتساب هر قرائت خاص به وحی نیازمند اثبات مستقل است. نقش اختلاف قرائات در فهم فقهی و تفسیری: در تفسیر، قرائات معتبر می‌توانند در تبیین وجوه معنایی و نحوی آیات مؤثر باشند؛ اما در حوزه فقه، صرف وجود یک قرائت برای استناد در حکم شرعی کافی نیست.

دلایل مصونیت قرآن از اضطراب و تحریف: مجموعه شواهد نقلی (آیات صیانت)، روایی (روایات «القرآن واحد») و تاریخی (انتقال گسترده قرآن)، از دیدگاه سنت اسلامی، مبنای نیرومندی برای دفاع از ثبات و صیانت متن قرآن فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که وجود



اختلافات قرائی را نمی‌توان به‌طور مستقیم معادل اضطراب یا تعدد متن قرآن دانست.

۳. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱. مطالعه تطبیقی و زبان‌شناختی رسم‌المصحف عثمانی و نسبت آن با وجوه قرائت.
۲. بررسی تطبیقی دیدگاه فقیهان متقدم و متأخر امامیه درباره حجیت قرائات در نماز.
۳. بررسی مستقل مفهوم احرف سبعه و پرهیز از خلط آن با اصطلاح «قرائات سبعه».
۴. تحلیل روش‌شناختی آثار شرق‌شناسان و تفکیک دیدگاه‌های نولدکه، گلدزیهر و جفری.
۵. بررسی انتقادی مصاحف منسوب به صحابه و تفکیک میان متن قرآنی، یادداشت تفسیری و مصحف شخصی.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف. منابع روایی و تفسیری شیعه

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۲. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، بی.تا.
۳. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی.تا.
۶. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: مکتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۱ق.
۹. معرفت، محمدهادی، صیانة القرآن من التحریف، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۲۸ق.
- ب. منابع تفسیری و علوم قرآن اهل سنت
۱۰. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۱۱. زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲ق.
۱۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، قاهره: دار الکتب المصریة، ۱۳۸۴ق.
- ج. منابع لغوی

۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- د. منابع مرتبط با مستشرقان
۱۷. Jeffery, Arthur, *Materials for the History of the Text of the Qur'ān: The Old Codices*, Leiden: E. J. Brill, 1937.
۱۸. Goldziher, Ignaz, *Die Richtungen der islamischen Koranauslegung*, Leiden: E. J. Brill, 1920.
۱۹. Nöldeke, Theodor, *Geschichte des Qorāns*, Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung, 1909-1938.
- ه. پژوهش های فارسی و عربی معاصر
۲۰. حسینی نیا، محمدرضا؛ سلیمی زاده، شریف، «رابطه اختلاف قرائات و تحریف قرآن از دیدگاه مستشرقان»، *مطالعات قرائت قرآن*، شماره ۱۴، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۰۱-۲۱۶.
۲۱. ریاحی مهر، باقر، «نقد مبانی مستشرقان در حوزه اختلاف قرائت قرآن»، *دوفصلنامه اسلام شناسی و قرآن پژوهی معاصر*، شماره ۴، ۱۴۰۲ ش، ص ۱۹-۴۳.